



A Study of the Communicative Function of Speech Acts in Khamsa 'Ashara Prayer

Zahra Afzaly

1. Professor , Department of Quranic Studies and Hadith, Bu_Ali Sina University, Hamedan, Iran

Article Info	ABSTRACT
DOI: 10.22084/dua.2026.32454.1243 Article history: Received: 2026 March 11 Received in revised: 2026 may 6 Accepted: 2026 Jun 11 Keywords: pragmatics, speech act, communicative function, Imam Sajjad, Khamsa 'Ashara prayer Publisher: Bu-Ali Sina University.	Pragmatics is a branch of linguistics that studies meaning in context and the relative distance of interlocutors in a verbal interaction. Speech act is a central notion in pragmatics which has been subject to various theoretical discussions. One of the prominent theories, proposed by John Searle, recognizes five types of speech act: representatives, directives, expressives, commissives, and declarations. Several other theories have dealt with the communicative function of speech acts. From among these, Mary Finocchiaro theory classifies the communicative functions of speech acts into five groups: personal, interpersonal, directive, referential, and imaginative. The present paper seeks to examine the communicative function of speech acts in Imam Sajjad's prayer called Khamsa 'Ashara. To this end, the speech acts in the prayer were first studied using Searle's theory. Next, their functions were analyzed using Finocchiaro framework. This study is a descriptive-analytical one intended to clarify the verbal communication of Imam Sajjad with God Almighty. The findings suggest that representative, directive, and expressive speech acts are more frequent in the prayer. Among these, representatives are the most frequent and expressives the least frequent. More specifically and in terms of communicative functions, there is evidence of personal function and interpersonal function for these three speech acts in the utterances of this prayer.





بررسی کارکرد ارتباطی کنش‌های گفتاری در مناجات خمس عشر

زهرا افضلی

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. z.afzali@basu.ac.ir

چکیده	اطلاعات مقاله
کاربردشناسی زبان یکی از شاخه‌های علم زبان‌شناسی است که به مطالعه معنی در ارتباط با بافت و فاصله نسبی میان دو طرف گفتگو در تعامل کلامی می‌پردازد در حالی که مباحث مختلفی را در برمی‌گیرد. کنش‌های گفتاری یکی از آن مباحث است که نظریات گوناگونی درباره ماهیت و انواع آن ارائه شده است. نظریه «جان سرل» از برجسته‌ترین آن‌هاست که در آن کنش‌های گفتاری به پنج نوع اظهار، ترغیبی، عاطفی، تعهدی و اعلامی تقسیم گردیده است. علاوه بر این، رویکردهایی راجع به کارکرد ارتباطی کنش‌های گفتاری مطرح شده است. رویکرد «ماری فینوکیارو» از جمله آن‌هاست که کارکرد ارتباطی در آن در پنج دسته فردی، بینافردی، جهتی، ارجاعی و تخیلی طبقه‌بندی گردیده است. در پژوهش حاضر بررسی کارکرد ارتباطی کنش‌های گفتاری در مناجات امام سجاد (ع) با نام مناجات خمس عشر محور کار تحقیق قرار گرفته است. به همین منظور ابتدا کنش‌های گفتاری بر اساس نظریه «جان سرل» و سپس کارکرد ارتباطی آن بر مبنای رویکرد «ماری فینوکیارو» در مناجات مذکور مورد بررسی واقع شده است. این پژوهش با شیوه توصیفی - تحلیلی و با هدف آگاهی از چگونگی ارتباط کلامی امام سجاد (ع) با خدای متعال صورت گرفته است. نتیجه پژوهش بیانگر آن است که در میان انواع کنش‌های گفتاری سه کنش اظهار، ترغیبی و عاطفی در مناجات خمس عشر نمود یافته با این تفاوت که کنش اظهار از بیشترین بسامد و کنش عاطفی از کمترین بسامد برخوردار است. حال آن که سه کنش مذکور کارکرد ارتباطی خاصی در برداشته و از بین کارکردهای ارتباطی، برخی از مؤلفه‌های کارکرد «فردی» و کارکرد «بینافردی» در پاره گفت‌های آن مناجات متجلی شده است.	شناسه DOI : 10.22084/dua.2026.32454.1243
	سابقه مقاله: تاریخ دریافت : ۲۰ اسفند ۱۴۰۴ تاریخ بازنگری: ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۵ تاریخ پذیرش: ۲۱ خرداد ۱۴۰۵
	کلیدواژگان: کاربردشناسی زبان، کنش‌های گفتاری، کارکرد ارتباطی، امام سجاد (ع)، مناجات خمس عشر.
	ناشر : دانشگاه بوعلی سینا



۱. مقدمه

علم زبان‌شناسی، علمی نوظهور است که در قرون اخیر شکل گرفته است. این علم که به بررسی ساختار زبان و کارکرد آن می‌پردازد، دارای شاخه‌های مختلفی است. کاربردشناسی زبان یکی از شاخه‌های آن است که «نخستین بار در اوایل سال ۱۹۸۰ در متون زبان‌شناسی مطرح گردید» (محمدی، ۱۳۶۶: ۱۴). این اصطلاح که «بر حوزه‌ای بینابین معنی‌شناسی، جامعه‌شناسی زبان و بافت‌های فرازبانی تمرکز دارد» (آقا گل زاده، ۱۳۹۲: ۱۳۱) طبق گفته برخی از صاحب‌نظران «مطالعه معنی در بافت اجتماعی است» (رحیمی، ۱۴۰۱: ۱۱۵) و به عبارت دیگر «مطالعه معنی در ارتباط با بافتی است که فرد در بستر آن به سخن گفتن یا نوشتن می‌پردازد» (پالتریچ، ۱۳۹۹: ۹۲) «معنایی که گوینده (یا نویسنده) آن را منتقل و شنونده (یا خواننده متن) برداشت می‌کند» (یول، ۱۳۹۶: ۱۱).

و نیز بنابه گفته برخی دیگر، کاربردشناسی زبان «مطالعه فاصله نسبی میان طرفین محاوره در یک تعامل کلامی است» (محمدی، ۱۳۶۶: ۱۶) در حالی که «با تحلیل منظور افراد از پاره‌گفت‌هایشان سروکار دارد تا با معنی خود کلمات یا عباراتی که به کار می‌برند» (یول، ۱۳۹۶: ۱۱)، زیرا «هدف اصلی کاربردشناسی معنای تحت‌اللفظی زبان نیست، بلکه بررسی عملی است که سخن‌گویان زبان می‌خواهند با زبان انجام دهند و منظور خود را مشخص نمایند» (کوک، ۱۳۸۹: ۵۸). از مضمون عبارات پیشین بر می‌آید که معنی و منظور پاره‌گفت‌ها با توجه به بافت و فاصله گوینده و مخاطب در ارتباط کلامی، موضوع مورد بررسی در کاربردشناسی زبان است.

مباحث مختلفی مثل استلزام، پیش‌انگاشت، تضمن، ادب، کنش‌های گفتاری و غیره در حوزه کاربردشناسی زبان قرار می‌گیرند. در میان مباحث مذکور «کنش‌های گفتاری یکی از عناصر مهم و اساسی در کاربردشناسی زبان است» (محمدی، ۱۳۶۶: ۵۸)، از همین رو «بیشترین توجه را به خود معطوف داشته است» (لویسون، ۱۹۹۷: ۲۳۶).

نظریات گوناگونی درباره ماهیت کنش‌های گفتاری و انواع آن از سوی اندیشمندان و نظریه‌پردازان ارائه شده است، این در حالی است که نظریه «جان سرل» در مقایسه با سایر نظریات جایگاه ویژه‌ای دارد. کنش‌های گفتاری بر اساس نظریه او دارای پنج نوع اظهار، ترغیبی، عاطفی، تعهدی و اعلامی است که با معیارهای خاصی از یکدیگر متمایز می‌شوند. کنش‌های گفتاری دارای اهدافی است که به آن‌ها کارکردهای ارتباطی گفته می‌شود. تعدادی از زبان‌شناسان به ارائه رویکردهایی درباره این کارکردها پرداخته‌اند. «ماری فینوکیارو» در شمار آن‌هاست که رویکرد او متشکل از پنج مؤلفه اصلی با عنوان: فردی، بینافردی، جهتی، ارجاعی و تخیلی است که هر یک چند مؤلفه فرعی را در برمی‌گیرند. بنابر آنچه گفته شد نظریه «جان سرل» و رویکرد «ماری فینوکیارو» چارچوب مناسبی برای تحلیل کنش‌های گفتاری و کارکرد ارتباطی متعلق به آن کنش‌ها در متون مختلف به شمار می‌روند. در پژوهش حاضر بررسی کارکرد ارتباطی کنش‌های گفتاری در مناجات امام سجاد (ع) با نام مناجات خمس عشر بر اساس رویکرد «ماری فینوکیارو» محور کار تحقیق قرار گرفته است. مناجات یاد شده مشتمل بر پانزده نیایش با مضامین عرفانی و عناوین خاصی است که امام (ع) در نیایش‌های مذکور گفتمانی متناسب را با عنوان هریک از آن‌ها برای نجوا با خدای متعال برگزیده است.

از آنجایی که کارکردهای ارتباطی اهداف کنش‌های گفتاری محسوب می‌شوند، پی بردن به آن‌ها مستلزم واکاوی کنش‌های گفتاری است. از همین رو ابتدا کنش‌های گفتاری و سپس کارکرد ارتباطی آن کنش‌ها در مناجات مذکور بررسی خواهد شد. در این پژوهش که با شیوه توصیفی - تحلیلی و با هدف آگاهی از چگونگی ارتباط کلامی امام معصوم با خدای متعال صورت گرفته، سعی بر آن است که پاسخی برای سؤالات ذیل به دست آید:



- ۱- کدام نوع از انواع کنش‌های گفتاری در مناجات خمس عشر بسامد بیشتری داشته است؟
- ۲- کارکرد ارتباطی کنش‌های گفتاری در مناجات خمس عشر چگونه نمود یافته‌است؟
- ۳- کدام کارکرد ارتباطی در مناجات خمس عشر دارای شاهد مثال بیشتری بوده‌است؟

به منظور پاسخگویی به این سؤالات ابتدا پیشینه، ضرورت و اهمیت پژوهش و چارچوب نظری تبیین می‌شود و پس از معرفی اجمالی مناجات خمس عشر کارکرد ارتباطی کنش‌های گفتاری در آن بررسی و تحلیل می‌گردد.

۱-۱. پیشینه پژوهش

مناجات خمس عشر مورد توجه پژوهشگران و محققان واقع شده‌است، از همین رو پژوهش‌های بسیاری راجع به آن صورت گرفته‌است که توضیحات مختصری درباره برخی از آن‌ها ارائه می‌شود.

- مقاله «تجلی ادعیه قرآنی در مناجات خمسه عشره» (۱۳۹۵) نوشته مرتضی سازجینی و سجاد فرجی، مجله مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی، شماره ۲). در این پژوهش برخی از مفاهیم ادعیه قرآنی مثل حمد و ثناء خدای متعال، طلب رحمت الهی، طلب آمرزش گناهان، طلب سربلندی و آبرومندی در روز قیامت، طلب دور ماندن از عذاب و تنعم در بهشت و... که در مناجات خمسه عشره نمود یافته، بررسی گردیده‌است.

- مقاله «بررسی رابطه بینامتنی قرآن با مناجات خمس عشر» (۱۴۰۱) نوشته زکیه بیگم، مجله پژوهش‌های زبان عربی، شماره ۶). در این پژوهش روابط بینامتنی قرآن در مناجات خمس عشر و چگونگی تأثیرپذیری ساختار و مضمون آن از آیات قرآنی واکاوی شده‌است.

- مقاله «تحلیل شناختی طرحواره‌های تصویری در مناجات خمس عشر با تکیه بر نظریه جانسون و لیکاف» (۱۴۰۲) نوشته رحمان نوازی و عزت ملا ابراهیمی، مجله دعا پژوهی، شماره ۵). در این پژوهش مناجات خمس عشر با رویکرد زبان‌شناسی شناختی مورد تحلیل قرار گرفته و انواع طرحواره‌های تصویری در آن بر مبنای نظریه جانسون و لیکاف بررسی گردیده‌است.

- مقاله «بررسی درستی استناد مناجات خمس عشر به امام سجاد (ع) بر اساس تکنیک‌های سبک سنجی» (۱۴۰۳) نوشته عیسی متقی زاده و سمیه مدبری، مجله جستارهای زبانی، شماره ۶). در این پژوهش سبک مناجات خمس عشر با سبک صحیفه سجادیه بر اساس نظریه «یول» و نظریات دیگر بررسی مقایسه‌ای شده و انتساب آن به امام سجاد (ع) تأیید گردیده‌است.

- مقاله «بررسی امکان دستیابی به مقام رؤیت و لقاء الله براساس مناجات خمس عشر امام سجاد (ع)» (۱۴۰۳) نوشته مهناز توکلی و سید رضا خجسته نوبر، مجله دعاپژوهی، شماره ۶). در این پژوهش «لقاء الله» به عنوان حد نهایی سیر و سلوک عارفان در مناجات خمس عشر واکاوی گردیده و عبارات و واژگان مرتبط با موضوعاتی مثل رؤیت، نظر، بصر، جمال، وجه، وصل و جوار از متن مناجات استخراج و سپس تحلیل شده‌است.

عناوین پژوهش‌های مذکور نشان می‌دهد که مناجات خمس عشر از جنبه‌های مختلف بررسی گردیده‌است. این امر بیانگر اهمیت آن به عنوان یک متن دینی است. پژوهش‌های متعدد درباره این مناجات مؤید این مدعاست، هر چند که اشاره به همه آن‌ها در پیشینه پژوهش امکان‌پذیر نیست، اما آن‌چه گفتنی به نظر می‌آید این است که تاکنون هیچ پژوهش مستقلاً درباره کارکرد ارتباطی کنش‌های گفتاری در مناجات خمس عشر صورت نگرفته، بنابراین موضوع پژوهش حاضر، موضوعی جدید و بی‌سابقه است. شایان ذکر است که کارکرد ارتباطی کنش‌های گفتاری بر اساس رویکرد «ماری فینوکیارو» در یک پایان نامه با عنوان «رویکرد مفهومی - نقشی و کارکرد آن در آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان: مطالعه موردی» مورد بررسی قرار



گرفته‌است. در این پژوهش که به وسیله مروارید طالبی دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی در سال ۱۳۹۳ نگاشته‌شده، نقش‌های ارتباطی یا کارکردهای ارتباطی و مفاهیم زبانی محتوای آموزشی زبان فارسی جهت تدریس به غیر فارسی‌زبانان بر اساس رویکرد مذکور تحلیل گردیده‌است. این در حالی است که دو مقاله از این پایان‌نامه با عناوین «بازنمایی نقش‌ها و مفاهیم زبان در دو مجموعه آموزشی فارسی بیاموزیم و زبان فارسی» و «رویکرد مفهومی-نقشی در آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان» برگرفته شده و به‌ترتیب در دو مجله «جستارهای زبانی» و «پژوهش‌نامه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان» به چاپ رسیده‌است. طبق تحقیقات به عمل آمده غیر از این موارد پژوهش دیگری درباره کارکرد ارتباطی کنش‌های گفتاری بر اساس رویکرد «ماری فینوکیارو» یافت نشد.

۱-۲. ضرورت و اهمیت پژوهش

پژوهش حاضر از این جهت حائز اهمیت است که در آن مناجات خمس‌عشر به شکل علمی و روشمند با رویکرد کاربردشناسی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. از آنجایی که مناجات مذکور تاکنون با این رویکرد واکاوی نشده‌است، بنابراین یافته‌های پژوهش از ناگفته‌هایی پرده برمی‌دارد که در پژوهش‌های پیشین بدان اشاره نشده‌است.

۲. چارچوب نظری

با توجه به این که نظریه «جان سرل» و رویکرد «ماری فینوکیارو» به‌عنوان چارچوب نظری در پژوهش حاضر برگزیده شده‌اند، مؤلفه‌های آن‌ها در ادامه و پس از تعریف کنش‌های گفتاری و ارائه توضیح مختصری درباره تاریخچه این اصطلاح تبیین خواهند شد.

بنا به قولی «کنش گفتاری به عملی گفته می‌شود که در نتیجه یک گفته عمدی رخ دهد» (سرل، ۱۹۶۹: ۶۸) و طبق قول دیگری کنش گفتاری عبارت است از «اعمالی که پاره‌گفتارها انجام می‌دهند» (محمدی، ۱۳۹۶: ۵۸). به اعتقاد زبان‌شناسان «پاره‌گفتارها قطعات کوتاه یا بلند زبانی هستند که معنای آن‌ها حاصل تعامل زبان و بافت تولید است» (قاسمی و شکر آمیز و همکاران، ۱۴۰۱: ۴۰) در حالی که این قطعات زبانی «می‌توانند یک کلمه، یک جمله یا یک گفتمان کامل باشند» (دسترنج و احسانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۵).

کنش گفتاری «برای نخستین بار از طرف «جان لانگ شاو آستین» یکی از فلاسفه دانشگاه آکسفورد در سخنرانی‌های وی به سال ۱۹۵۵ معرفی شد» (صفوی، ۱۳۹۲: ۱۷۲؛ محمدی، ۱۳۶۶: ۵۸). آستین بر این باور بود که «زبان صرفاً ابزاری برای توصیف جهان نیست بلکه گاهی از این کارکرد عبور می‌نماید و موجب تأثیرگذاری بر مخاطب و نیز تغییر در جهان خارج می‌شود» (آستین، ۱۹۹۱: ۱۷) او با رد فرضیه توصیفی بودن زبان «آن را وارد یک فضای جدید با عنوان کنش‌گرایی می‌کند [که در آن] پاره‌گفتارها توسط کاربر زبان در یک بافت مشخص کنش و عملی را در جهان خارج انجام می‌دهند» (صانعی پور، ۱۳۹۰: ۲۷-۲۶). علاوه بر آستین «فیلسوفان و زبان‌شناسان دیگری از جمله شیفر، فریزر، هانچر باخ و هارنیش و جان سرل شاگرد آستین به بررسی ماهیت و طبقه‌بندی کنش‌های گفتاری پرداختند که در این میان آرای سرل از اهمیت بسزایی برخوردار است» (صفوی، ۱۳۹۲: ۱۷۷؛ محمدی، ۱۳۶۶: ۸۸).

«سرل هم‌چون استادش آستین فرضیه اساسی کنش‌های گفتاری را عمل و رفتاری می‌داند که به وسیله زبان در جهان خارج محقق می‌شود و معتقد است که کاربر زبان بر اساس ظرفیت‌های ذهنی خود مانند باور، احساس، تمایل و نظیر آن‌ها در صدد است با جهان خارج رابطه برقرار کند» (سرل، ۲۰۰۶: ۷).

سرل کنش‌های گفتاری را به پنج دسته به شرح ذیل تقسیم کرده است:



کنش اظهاری: کنش اظهاری عبارت است از: کنشی که «گوینده را به اظهار حقیقت یک گزاره متعهد می‌کند» (سرل، ۱۹۹۹: ۱۴۸). این نوع کنش گفتاری «بیانگر باور گوینده از درستی اوضاع امور است. اظهاراتی چون بیان واقعیت، تصدیق، نتیجه‌گیری و توصیف نمونه‌هایی از کنش‌های گفتاری‌اند که گوینده از طریق آن‌ها دنیا را آن‌چنان که هست یا آن‌چنان که باور دارد، نشان می‌دهد» (یول، ۱۳۸۷: ۷۳).

کنش ترغیبی: کنش ترغیبی کنشی است که «گوینده با بکارگیری آن از دیگری به عنوان شنونده درخواست انجام کاری را دارد. [این کنش] بیانگر خواسته‌های گوینده و شامل دستورات، درخواست‌ها و پیشنهادات است» (سرل، ۲۰۰۶: ۲۱۸) «که می‌توانند به صورت مثبت یا منفی باشند» (یول، ۱۳۸۷: ۷۵).

کنش عاطفی: کنش عاطفی کنشی است که «احساس گوینده را از جهان خارج نشان می‌دهد» (یول، ۱۳۸۷: ۷۵). در حالی که «محتوای گزاره‌ای نمایانگر شرایطی است که در برگیرنده حالات روانی گوینده است» (سرل، ۲۰۰۶: ۲۱۹).

کنش تعهدی: کنش تعهدی کنشی است که در آن «گوینده خود را به انجام اقدامی که در محتوای گزاره‌ای مشخص شده است، متعهد می‌کند» (سرل، ۱۹۹۹: ۱۴۹). حال آن که «بیانگر قصد گوینده و در برگیرنده وعده‌ها، تهدیدها، سرباز زدن‌ها و تعهدهاست» (یول، ۱۳۸۷: ۷۶).

کنش اعلامی: کنش اعلامی کنشی است که در آن «گوینده شرایط تازه‌ای را برای مخاطب اعلام می‌کند» (صفوی، ۱۳۹۲: ۱۷۸) «این کنش برای تغییر وضعیت موجود در دنیای خارج از طریق زبان به کار می‌رود [در حالی که] اعلام استعفا، اخراج، انتصاب و... در زیرمجموعه آن قرار می‌گیرد» (سرل، ۱۹۹۹: ۱۵۰).

در عبارات پیشین ضمن اشاره به تعریف و تاریخچه کنش‌های گفتاری، انواع آن کنش‌ها از دیدگاه «سرل» تبیین شد. این امر زمینه را برای تشریح کارکردهای ارتباطی به عنوان اهداف کنش‌های گفتاری که در پژوهش حاضر محور کار تحقیق قرار گرفته است، فراهم می‌کند، زیرا جهت اطلاع از چگونگی بکارگیری کارکرد ارتباطی کنش‌های گفتاری در مناجات خمس عشر لازم است که کنش‌های گفتاری و انواع آن نیز بررسی و تحلیل گردد. با این توضیحات کارکردهای ارتباطی در ادامه تبیین خواهند شد. کارکردهای ارتباطی بر اساس رویکردهای اندیشمندانی مثل «ویلیکینز»، «ون آک» و «فینوکیارو» قابل بررسی و تحلیل است. این در حالی است که رویکرد «فینوکیارو» به دلیل وضوح اصول و مبانی آن، چارچوب مناسب‌تری جهت تحلیل کارکردهای ارتباطی است.

در این نظریه از کنش‌های گفتاری سخن به میان آمده و گفته شده که «هر کنش گفتاری از نظر کارکردی، سازمان یافته‌است (یعنی تلاشی است برای انجام دادن کاری) در موقعیتی خاص و در ارتباط با موضوعی مشخص» (فینوکیارو، ۱۹۸۳: ۱۳). علاوه بر این در نظریه مذکور «بر اهداف ارتباطی کنش‌های گفتاری تأکید شده است» (همان: ۱۳).

منظور از اهداف ارتباطی در رویکرد «فینوکیارو» کارکردهای ارتباطی است که از پنج مؤلفه اصلی تشکیل شده‌است در حالی که هر یک دارای چندین مؤلفه فرعی هستند که به ترتیب تشریح می‌شوند:

۱- فردی: کارکرد فردی برای روشن ساختن یا سازماندهی ایده‌های خود، بیان اندیشه یا ابراز احساسات [به کار می‌رود احساساتی مانند] عشق، لذت، خوشحالی، شگفتی، علاقه‌مندی، رضایت، بی‌علاقگی، ناامیدی، درد، خشم، رنج، ترس، اندوه (همان: ۶۵).

۲- بینافردی: کارکرد بینافردی برای ایجاد و حفظ روابط اجتماعی است و شامل مؤلفه‌های زیر است: ۱- سلام و خداحافظی ۲- معرفی افراد به یکدیگر ۳- معرفی خود به دیگران ۴- دعوت کردن و پذیرفتن دعوت ۵- عذرخواهی ۶- اعلام



موافقت یا مخالفت ۷- در میان گذاشتن آرزوها، امیدها، خواسته‌ها، مشکلات ۸- وعده دادن و متعهد شدن به انجام کاری ۹- تعریف و تمجید ۱۰- عذر آوردن ۱۱- قدردانی (همان: ۶۵).

۳- جهتی: کارکرد جهتی عبارت است از: کوشش برای تأثیر گذاشتن بر اعمال دیگران که مؤلفه‌های زیر را در بر می‌گیرد:
۱- درخواست کردن، پیشنهاد دادن ۲- رد کردن پیشنهاد یا درخواست ۳- کمک خواستن و پاسخ دادن به درخواست
کمک ۴- منع کردن کسی از انجام کاری ۵- هشدار دادن (همان: ۶۶-۶۵).

۴- ارجاعی: کارکرد ارجاعی عبارت است از: سخن گفتن یا گزارش دادن درباره اشیاء، اعمال، رویدادها یا افراد در حالی که شامل مؤلفه‌های زیر است:

۱- شناسایی اشیاء یا افراد ۲- درخواست توصیف ۳- بازگویی، خلاصه‌سازی یا ترجمه ۴- توضیح دادن یا درخواست توضیح ۵- مقایسه و مقابله اشیاء ۶- ارزیابی نتایج یک عمل یا رویداد (همان: ۶۶).

۵- تخیلی: کارکرد تخیلی عبارت است از: بحث درباره یک شعر، داستان، قطعه موسیقی، نمایشنامه، نقاشی، فیلم و مانند آن. این کارکرد در بردارنده مؤلفه‌های زیر است:

۱- خلق قافیه، شعر، داستان یا نمایشنامه ۲- باز ترکیب خلافت‌گه‌ها ۳- حل مسئله‌ها یا معماها (همان: ۶۶).
آنچه در عبارات پیشین ذکر آن گذشت، مؤلفه‌های اصلی و فرعی رویکرد «فینوکیارو» است که به عنوان مبنایی برای پژوهش حاضر مد نظر واقع شده است.

۲-۱. معرفی مناجات خمس عشر

مناجات خمس عشر مجموعه‌ای از نیایش‌های امام سجاد (ع) است که در کتب معتبر مانند بحارالانوار اثر محمد باقر مجلسی ذکر شده است. این مجموعه شامل پانزده نیایش است که «محتوای آن با آموزه‌های قرآن کریم مطابق است، از همین رو مفاهیم عرفانی عمیقی دربردارد» (توکلی و خجسته پور، ۱۴۰۳: ۴۰) در حالی که «امام (ع) برای انتقال [آن] مفاهیم از طحواهرهایی استفاده نموده که مبتنی بر تجربه‌های فیزیکی در جهان مادی است» (نوازی و ملاابراهیمی، ۱۴۰۲: ۹۶). هریک از نیایش‌های مذکور مشتمل بر عنوان خاصی به شرح زیر است:

۱- مناجات تائبین (توبه کنندگان) ۲- مناجات شاکین (شکایت کنندگان) ۳- مناجات خائفین (بی‌مناکان) ۴- مناجات راجین (امیدواران) ۵- مناجات راغبین (مشتاقان) ۶- مناجات شاکرین (سپاسگزاران) ۷- مناجات مطیعین (فرمان برداران) ۸- مناجات مریدین (مريدان) ۹- مناجات محبین (دوستداران) ۱۰- مناجات متوسلین (التماس کنندگان) ۱۱- مناجات مفتقرین (محتاجان) ۱۲- مناجات عارفین (آگاهان) ۱۳- مناجات ذاکرین (یاد کنندگان) ۱۴- مناجات معتمدین (تمسک جویندگان) ۱۵- مناجات زاهدین (پارسایان) (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۱: ۱۵۳-۱۴۲).

بررسی مضمون پانزده مناجات یاد شده بیانگر این است که امام سجاد (ع) در آن‌ها با نهایت خضوع و فروتنی به راز و نیاز با خالق بی‌همتا پرداخته و در برابر عظمت او سر تسلیم فرود آورده است که این امر نشان‌دهنده تجلی عبودیت و بندگی در گفتمان او با معبود یگانه است.

۲-۲. بررسی کارکرد ارتباطی کنش‌های گفتاری در مناجات خمس عشر

به منظور بررسی کارکردهای ارتباطی کنش‌های گفتاری در مناجات خمس عشر ابتدا شواهد دال بر آن کنش‌ها براساس نظریه «جان سرل» و سپس کارکرد ارتباطی آن‌ها بر مبنای رویکرد «ماری فینوکیارو» واکاوی می‌شوند. شایان ذکر است که در



میان انواع کنش‌های گفتاری سه نوع اظهاری، ترغیبی و عاطفی در بردارنده شاهد مثال در مناجات خمس عشر هستند، بنابراین فقط کارکرد ارتباطی این سه کنش گفتاری بررسی خواهد شد.

۲-۱-۲. کارکرد ارتباطی کنش اظهاری

چنان‌که گفته شد کنش اظهاری بیانگر باور گوینده از درستی اوضاع و شامل اظهاراتی چون بیان واقعیت، تصدیق، نتیجه‌گیری و توصیف است در حالی‌که گوینده از طریق آن دنیا را آن‌چنان‌که هست یا آن‌چنان‌که باور دارد، نشان می‌دهد. بررسی‌ها حاکی از آن است که کنش اظهاری در مقایسه با سایر انواع کنش‌های گفتاری شواهد بیشتری در مناجات خمس عشر دارد. در ادامه کنش اظهاری و کارکرد ارتباطی آن با گزینش بارزترین شواهد بررسی می‌شود. پاره‌گفت زیر از جمله آن شواهد است آن‌جا که امام سجاد (ع) خدای متعال را در «مناجاة الشاکین» خطاب نموده و این‌طور فرموده است:

«إِلَهِي إِلَيْكَ أَشْكُو نَفْسًا بِالسُّوءِ أَمَارَةً، إِلَهِي أَشْكُو إِلَيْكَ شَيْطَانًا يُغْوِينِي، قَدْ مَلَأَ بِالْوَسْوَاسِ صَدْرِي، إِلَهِي إِلَيْكَ أَشْكُو قَلْبًا قَاسِيًا مَعَ الْوَسْوَاسِ مُتَقَلِّبًا، وَغَيْنًا عَنِ الْبَكَاءِ مِنْ خَوْفِكَ جَامِدَةً» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق. ج ۹۱: ۱۴۴).

«خدایا شکایت می‌کنم به تو از نفسی که بسیار امرکننده به بدی است، خدایا شکایت می‌کنم به تو از شیطانی که مرا گمراه می‌سازد درحالی‌که سینه‌ام را آکنده از وسوسه کرده است، خدایا شکایت می‌کنم به تو از دل سنگی که با وسوسه دگرگون است و از چشمی که از ترس تو گریان نیست.»

امام (ع) در این پاره‌گفت از نفس، شیطان، دل و چشم نزد خدای بلند مرتبه شکایت کرده و برخی از صفات منفی هر یک را برشمرده است. بدین ترتیب او به توصیف و نیز بیان واقعیتی که آن را باور دارد، اقدام نموده است. با این توضیحات کنش گفتاری امام (ع) در این پاره‌گفت به دلیل بیان واقعیت و توصیف، کنش اظهاری است در حالی‌که کارکرد ارتباطی آن «در میان‌گذاشتن مشکلات» است که خود یکی از مؤلفه‌های فرعی کارکرد ارتباطی «بینا فردی» به شمار می‌آید، زیرا امام (ع) در گفتگوی خود با خدای متعال از امر کردن نفس به بدی و گمراه‌کنندگی و وسوسه‌گری شیطان، بی‌ثباتی دل و تاثیرناپذیری چشم از ترس خدا سخن به میان آورده که همه آن‌ها بیانگر مشکلاتی هستند که او آن‌ها را با پروردگار یکتا در میان‌نهاد است.

این کارکرد ارتباطی در «مناجاة التائبین» نیز نمود یافته است. پاره‌گفت ذیل بر این امر دلالت می‌کند هنگامی که امام (ع) خطاب به خدای متعال این چنین فرموده است:

«إِلَهِي أَمَاتَ قَلْبِي عَظِيمُ جَنَائِي، فَأَخِيهِ بَتَّوْبَةٍ مِنْكَ» (همان: ۱۴۳).

«خدایا گناه بزرگم قلبم را میراند، پس تو آن را با بخشش‌ات زنده کن.»

امام (ع) در این پاره‌گفت گناه را باعث مرگ قلب خود دانسته و ضمن توصیف وضعیتش واقعیتی را که معتقد به آن است، بیان کرده است، بنابراین کنش گفتاری او در عبارت «إِلَهِي أَمَاتَ قَلْبِي عَظِيمُ جَنَائِي» از نوع اظهاری است. از سوی دیگر امام (ع) در عبارت «فَأَخِيهِ بَتَّوْبَةٍ مِنْكَ» با به‌کارگیری فعل امر «أَخِيهِ» که بر کنش ترغیبی دلالت می‌کند، از خدای متعال درخواست نموده که قلبش را با پذیرش توبه جان ببخشد. مضمون کنش اظهاری امام (ع) در این پاره‌گفت بیانگر یکی از مشکلات او یعنی مردن قلبش به‌وسیله گناه است که درباره آن با خدای بلندمرتبه سخن گفته و با کنش ترغیبی برطرف شدن آن مشکل را از او طلب نموده است، از همین رو کارکرد ارتباطی این کنش اظهاری «در میان‌گذاشتن مشکلات» است که در زیرمجموعه کارکرد ارتباطی «بینا فردی» قرار می‌گیرد.

«عذرخواهی» نیز از دیگر کارکردهای ارتباطی کنش اظهاری است که در پاره‌گفت زیر تجلی یافته است آن‌جا که امام (ع)

در «مناجاة التائبین» این قول را بر زبان آورده است:



«إِلَهِي إِنْ كَانَ الذَّنْبُ عَلَى الذَّنْبِ تَوْبَةً فَإِنِّي وَعِزَّتِكَ مِنَ التَّادِيمِ، وَ إِنْ كَانَ الْاِسْتِغْفَارُ مِنَ الْحَطِيئَةِ حِطَّةً فَإِنِّي لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ» (همان: ۱۴۳).

«خدایا اگر پشیمانی از گناه [نشانه] توبه باشد، به جلالت قسم که قطعاً من از پشیمان شدگان هستم و اگر استغفار از گناه [مایه] خفت باشد، حتماً من از استغفارکنندگان تو هستم.»

امام (ع) در این پاره گفت به پشیمانی از گناه و طلب آمرزش آن اقرار و وضعیت خود را توصیف کرده است. این توصیف بیانگر واقعیتهای است که امام (ع) آن را باور دارد. با این توضیحات پاره گفت یاد شده در بردارنده کنش اظهار است در حالی که ابراز ندامت از ارتکاب گناه و استغفار از سوی امام (ع) به طور تلویحی نشانگر «عذرخواهی» به عنوان کارکرد ارتباطی این کنش و یکی از مؤلفه‌های فرعی کارکرد ارتباطی «بینافردی» است.

علاوه بر این، کارکرد ارتباطی «عذرخواهی» در پاره گفت دیگری در «مناجاة التائبین» جلوه گر شده است قول امام (ع) در عبارت زیر گواه این مدعاست.

«فَوَعِزَّتِكَ مَا أَجِدُ لِذُنُوبِي سِوَاكَ غَافِرًا، وَقَدْ خَصَعْتُ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ، وَعَوَّضْتُ بِالْاِسْتِكَانَةِ لَدَيْكَ» (همان: ۱۴۲).

«به جلالت قسم که به جز تو آمرزنده‌ای برای گناهانم نمی‌یابم در حالی که با توبه برای تو فروتنی کردم و با تسلیم در حضور تو تواضع نمودم.»

امام (ع) در این پاره گفت آمرزش گناهانش را فقط به خدای سبحان منحصر کرده و با توبه و تسلیم به تواضع و فروتنی برای او اعتراف نموده است. امام (ع) در پاره گفت مذکور با توصیف وضعیتش به بیان واقعیتهای در باور خود پرداخته است که این امر نمایانگر اظهار بودن کنش گفتاری اوست. از طرف دیگر اذعان او به توبه و بازگشت از گناه و تسلیم در برابر خدا به طور ضمنی مبین «عذرخواهی» است که جزء مؤلفه‌های کارکرد ارتباطی «بینافردی» به شمار می‌آید.

«در میان گذاشتن آرزو» نیز از دیگر کارکردهای ارتباطی کنش اظهار است که در پاره گفت زیر نمود یافته است آن‌جا که امام (ع) در «مناجاة الراجین» این قول را بر زبان آورده است.

«إِلَهِي لِئَلَّيْ عَطَايَاكَ بَسَطْتُ أَمَلِي» (همان: ۱۴۵).

«خدایا برای دستیابی به بخشش‌های تو آرزویم را گسترانیدم.»

امام (ع) در این پاره گفت به وسعت دادن دامنه آرزوی خود برای رسیدن به عطایای خداوند متعال اشاره و واقعیتهای را بیان کرده است. بیان این واقعیت که امام (ع) به آن معتقد است، بر اظهار بودن کنش او دلالت می‌کند. حال آن که مضمون این کنش نیز از کارکرد ارتباطی آن یعنی «در میان گذاشتن آرزو» به عنوان یکی از مؤلفه‌های فرعی کارکرد ارتباطی «بینافردی» پرده برمی‌دارد، زیرا امام (ع) در پاره گفت یاد شده درباره به دست آوردن بخشش‌های خدای متعال که جزء آرزوهای اوست، لب به سخن گشوده و تحقق آن را علت بسطدادن دامنه آرزویش دانسته و آن را در گفتگویش با خدای یکتا در میان نهاده است.

«تمجید» نیز از جمله کارکردهای ارتباطی کنش اظهار است. قول زیر در یکی از پاره‌گفت‌های «مناجاة الشاکرین» نشانگر این موضوع است.

«أَنْتَ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ الْبَرُّ الْكَرِيمُ» (همان: ۱۴۷).

«تو مهربان، بخشنده، صادق و بلند مرتبه ای.»



امام (ع) در این پاره گفت به چهار صفت از صفات خدای منان اعتراف و او را با آن صفات توصیف کرده است، ضمن این که واقعیت را بیان نموده است. توصیف و بیان واقعیت روشن می‌سازد که کنش امام (ع) در این پاره گفت کنش اظهاری است. علاوه بر این، صفات خدای متعال که امام (ع) او را بدان متصف کرده است، نشان می‌دهد که «تمجید» کارکرد ارتباطی این کنش اظهاری است که از مؤلفه‌های فرعی کارکرد ارتباطی «بینافردی» محسوب می‌شود، به دلیل این که امام (ع) با ذکر این صفات به مدح و ستایش خدای بزرگ پرداخته است.

کارکرد ارتباطی «تمجید» در یکی از پاره گفت‌های «مناجاة العارفين» نیز تجسم یافته است هنگامی که امام (ع) خطاب به خدای سبحان این گونه فرموده است:

«يَا عَظِيمُ يَا جَلِيلُ، يَا كَرِيمُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» (همان: ۱۵۲).

«ای با عظمت، ای بزرگوار، ای بخشنده، ای مهربان‌ترین مهربانان.»

امام (ع) در این پاره گفت خدای متعال را مورد خطاب قرار داده و با برشمردن چهار صفت از صفاتش او را توصیف نموده است در حالی که از واقعیت نیز پرده برداشته است. توصیف و پرده برداشتن از واقعیت در این پاره گفت اولاً مؤید اظهاری بودن کنش گفتاری امام (ع) است و ثانیاً مبین ستوده شدن خدای متعال از سوی اوست. با این توضیحات روشن می‌شود که این کنش اظهاری دارای کارکرد ارتباطی «تمجید» است که در زیرمجموعه کارکرد ارتباطی «بینافردی» قرار می‌گیرد.

«بیان اندیشه» نیز از کارکردهای ارتباطی کنش اظهاری امام (ع) است. تجلی این کارکرد ارتباطی در پاره گفتی در «مناجاة الذاکرين» گواه این امر است.

«أَنْتَ الْمُعْبُودُ فِي كُلِّ زَمَانٍ، وَالْمَوْجُودُ فِي كُلِّ أَوَانٍ» (همان: ۱۵۲).

«تو در هر زمانی معبودی و در هر آنی موجودی.»

این پاره گفت مشتمل بر قول امام (ع) درباره الوهیت و موجودیت خدای متعال در همه زمان هاست. کنش امام (ع) در این پاره گفت کنش اظهاری است، چون در آن واقعیتی آشکار شده است. کارکرد ارتباطی این کنش نیز «بیان اندیشه» است که یکی از مؤلفه‌های فرعی کارکرد ارتباطی «فردی» تلقی می‌شود، زیرا در آن از اندیشه امام (ع) درباره خدای متعال به عنوان معبود و موجود ابدی پرده برداشته شده است.

«بیان اندیشه» در یکی از پاره گفت‌های «مناجات المطيعين» نیز تجلی یافته است. همان‌طور که در عبارت زیر می‌بینیم:

«إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (همان: ۱۴۸).

«همانا تو بر هر چیزی سیطره داری.»

مضمون این پاره گفت بیانگر تسلط خداوند بر هر چیز از نگاه امام (ع) است. این واقعیتی انکارناپذیر است، چرا که خدای متعال قادر مطلق است و همه چیز در اختیار اوست. از آنجایی که امام (ع) به این واقعیت اذعان نموده است، بنابراین کنش او در پاره گفت مذکور کنش اظهاری است در حالی که در آن قدرت خدای متعال را قدرت تام دانسته است. بدین ترتیب او اندیشه خود را درباره قدرت خداوند روشن ساخته است. با این تفاسیر «بیان اندیشه» کارکرد ارتباطی این کنش اظهاری است که مؤلفه‌ای فرعی از مؤلفه‌های کارکرد ارتباطی «فردی» به شمار می‌آید.

۲-۲-۲. کارکرد ارتباطی کنش ترغیبی

پیشتر گفته شد که کنش ترغیبی بیانگر درخواست انجام کاری از مخاطب به وسیله گوینده و در برگیرنده دستورات، درخواست‌ها و پیشنهادهاست. این کنش در مناجات خمس عشر نسبت به کنش اظهاری از بسامد کمتری برخوردار است در



حالی که شواهد دال بر آن، هم در جملات امری و هم در جملات خبری جلوه گر شده است. کنش مذکور دارای چند کارکرد ارتباطی است که در عبارات بعدی و پس از تبیین شواهد بررسی می گردد.

«در میان گذاشتن آرزو» از جمله کارکردهای ارتباطی کنش ترغیبی است چنان که در پاره گفت زیر در «مناجاة الراغبین» ملاحظه می کنیم.

«أَسْأَلُكَ وَأُبْتَهِلُ إِلَيْكَ أَنْ تُحَقِّقَ ظَنِّي بِمَا أُؤَمِّلُهُ مِنْ جَزِيلٍ إِكْرَامِكَ» (همان: ۱۴۶).

«از تو می خواهم و به درگاه تو تضرع می کنم که تصورم را محقق کنی با آن چه از لطف فراوانت که بدان امیدوارم». قول امام (ع) در این پاره گفت مبین درخواست او از خدای سبحان است. فعل مضارع «أَسْأَلُكَ» نشانگر این درخواست و ترغیبی بودن کنش امام (ع) است. فعل «أُبْتَهِلُ إِلَيْكَ» که به فعل «أَسْأَلُكَ» معطوف شده، گویای این است که کنش ترغیبی امام (ع) همراه با تضرع است، بنابراین فقط دال بر درخواست است نه دیگر انواع کنش ترغیبی یعنی دستور و پیشنهاد. آنچه امام (ع) در این کنش ترغیبی از خدای متعال طلب کرده است، عبارت است از: محقق شدن تصورش نسبت به الطاف بیکران خدای متعال که از آرزوی های اوست. با تأمل در خواسته امام (ع) مشخص می شود که کارکرد ارتباطی این کنش ترغیبی «در میان گذاشتن آرزو» است که یکی از زیرمجموعه های کارکرد ارتباطی «بینافردی» است. «در میان گذاشتن آرزو» در پاره گفت دیگری نیز متجلی شده است آن هنگام که امام (ع) در «مناجاة المطيعين» این چنین فرموده است.

«يَسِّرْ لَنَا بُلُوغَ مَا نَتَمَنَّى مِنْ اِئْتِغَاءِ رِضْوَانِكَ» (همان: ۱۴۸).

«برای ما رسیدن به خشنودی ات را که بدان آرزومندیم، میسر کن.»

مضمون این پاره گفت بیانگر درخواست امام (ع) از خدای متعال جهت میسر نمودن دستیابی به خشنودی اوست که در آرزوی آن است. فعل امر «يَسِّرْ» بر این درخواست و ترغیبی بودن کنش امام (ع) دلالت می کند، اما به دلیل این که امام (ع) به عنوان بنده این فعل را در کلامش خطاب به خالق به کار برده، بنابراین کاربرد آن برای درخواست است نه دستور و پیشنهاد. نکته قابل ذکر در پاره گفت مذکور این است که امام (ع) تحقق یک آرزو یعنی خشنودی خداوند را از او درخواست نموده است. با این تفاسیر روشن می شود که کارکرد ارتباطی این کنش ترغیبی «در میان گذاشتن آرزو» است که یکی از مؤلفه های کارکرد ارتباطی «بینافردی» به شمار می آید.

«ابراز احساس» نیز از دیگر کارکردهای ارتباطی کنش ترغیبی است که در پاره گفت زیر تجسم یافته است آنجا که امام (ع) در «مناجاة الخائفين» این چنین فرموده است:

«إِلَهِي أَجْزِي مِنْ أَلِيمٍ غَضَبِكَ، يَا سَتَّارُ، نَجِّنِي بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ» (همان: ۱۴۵).

«خدایا مرا از خشم دردناک پناه ده، ای پوشاننده با رحمتت مرا از عذاب جهنم نجات ده.»

امام (ع) در این پاره گفت از خدای متعال درخواست نموده که او را از غضبش در امان دارد و از عذاب جهنم رهایی بخشد. به کارگیری دو فعل امر «أَجْزِي» و «نَجِّنِي» مبین ترغیبی بودن کنش امام (ع) است. از سیاق کلام و مفهوم واژه های ذکر شده بعد از دو فعل «أَجْزِي» (مِنْ أَلِيمٍ غَضَبِكَ) و «نَجِّنِي» (بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ) بر می آید که امام (ع) در گفتگو با خدای سبحان به دلیل احساس ترس، از آن درخواست سخن به میان آورده است، بنابراین کارکرد ارتباطی این کنش ترغیبی «ابراز احساس» است که جزء مؤلفه های کارکرد ارتباطی «فردی» است، زیرا امام (ع) به طور غیر مستقیم و تلویحی احساس خود یعنی ترس را نمایان ساخته است.



«ابراز احساس» در پاره گفتمانی از پاره گفت‌های «مناجاة المفتقرین» نیز مشهود است. قول امام (ع) در عبارت زیر بر این امر دلالت می‌کند:

«إِلَهِي اِزْحَمْ عَبْدَكَ الدَّلِيلَ» (همان: ۱۵۲).

«خدایا به بنده حقیرت رحم کن.»

مضمون این پاره گفت نشان‌دهنده درخواست شفقت از خدای متعال به وسیله امام (ع) است. کنش امام (ع) در این پاره گفت کنش ترغیبی است به دلیل این که او با کاربرد فعل امر «اِزْحَمْ» درخواست خود را ارائه کرده است. مفهوم واژه‌های «عَبْدَكَ الدَّلِيلَ» بعد از فعل «اِزْحَمْ» حاکی از آن است که امام (ع) خود را به عنوان بنده‌ای ضعیف معرفی کرده است. با این توضیحات «ابراز احساس» کارکرد ارتباطی این کنش ترغیبی است که در زیرمجموعه مؤلفه‌های کارکرد ارتباطی «بینافردي» قرار می‌گیرد، چون امام (ع) با به کارگیری واژه «الدَّلِيلَ» به‌طور ضمنی از احساس ضعف (ضعف مخلوق در برابر خالق) در کلام خود پرده برداشته است.

«ابراز احساس» در یکی از پاره گفت‌های «مناجاة المحبین» نیز تجسم یافته است. عبارت زیر از قول امام (ع) بیانگر این موضوع است.

«أَسْأَلُكَ حُبَّكَ، وَأَنْ تَجْعَلَكَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا سَوَاكَ، وَأَنْ تَجْعَلَ حُبِّي إِيَّاكَ قَائِدًا إِلَى رِضْوَانِكَ» (همان: ۱۴۹).

«از تو دوست داشتنت را می‌خواهم و این که خودت را نزد من دوست داشتنی تراز هر کسی غیرتوست، بگردانی و علاقه من به خودت را به سوی خشنودیت سوق دهی.»

امام (ع) در این پاره گفت خدای متعال را با به کارگیری فعل مضارع «أَسْأَلُكَ» که نشان‌دهنده درخواست اوست، مورد خطاب قرار داده است، بنابراین کنش او کنش ترغیبی است. این در حالی است که از خواسته‌های خود مثل علاقه‌مندی‌اش به خدای متعال و انحصار آن علاقه‌مندی به او و سوق داده‌شدن آن علاقه‌مندی به خشنودی او سخن به میان آورده است. چنان‌که از مضمون این پاره گفت برمی‌آید، هدف امام (ع) از این کنش ترغیبی آشکار ساختن عشق خود به خدای متعال است، بنابراین کارکرد ارتباطی کنش مذکور «ابراز احساس» است که جزء مؤلفه‌های فرعی کارکرد ارتباطی «بینا فردی» است، چون واژه‌های «حُبَّ»، و «أَحَبَّ» بیانگر احساس امام (ع) یعنی عشق به خدا هستند.

«عذرخواهی» نیز در شمار کارکردهای ارتباطی کنش ترغیبی است چنان‌که در پاره گفت زیر می‌بینیم هنگامی که امام (ع) در «مناجاة التائبین» این‌طور فرموده است.

«فَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَتَقَبَّلْ تَوْبَتِي» (همان: ۱۴۳).

«دعایم را اجابت کن و توبه‌ام را بپذیر.»

امام (ع) در این پاره گفت با دو فعل امر «اسْتَجِبْ» و «تَقَبَّلْ» از خدای متعال اجابت دعا و پذیرش توبه را درخواست کرده است، بنابراین کنش گفتاری او کنش ترغیبی است. کاربرد واژه «تَوْبَةٍ» در این کنش نشانگر «عذرخواهی» به عنوان کارکرد ارتباطی آن است که در زیرمجموعه کارکرد ارتباطی «بینا فردی» قرار می‌گیرد، زیرا توبه و بازگشت از گناه به طور تلویحی و غیر مستقیم بر عذرخواهی دلالت می‌کند.



۳-۲-۲. کارکرد ارتباطی کنش عاطفی

پیشتر گفته شد که کنش عاطفی نشانگر احساس گوینده و حالات روانی اوست. این کنش دارای کمترین شاهد مثال نسبت به دو کنش اظهار و ترغیبی در مناجات خمس عشر است. شواهدی که بر این کنش دلالت می کنند در عبارات بعدی بررسی خواهند شد.

پاره گفت زیر از جمله آن شواهد است هنگامی که امام (ع) در «مناجاة المريدین» خداوند سبحان را این گونه مورد خطاب قرار داده است.

«انصَرَفْتُ نَحْوَكَ رَغْبَتِي، فَأَنْتَ لِأَعْيُنِكَ مُرَادِي، وَإِلَيْكَ شَوْقِي، وَفِي مَحَبَّتِكَ وَلَهْي، وَإِلَى هَوَاكَ صَبَابَتِي» (همان: ۱۴۹).
«تمایل من به تو معطوف شد، تو خواسته من هستی نه غیر از تو، اشتیاق من به توست و دلخواهی من در دوستی با توست و عشق سوزان من در دلدادگی به توست.»

واژه های «رَغْبَتِي»، «شَوْقِي»، «وَلَهْي» و «صَبَابَتِي» در پاره گفت فوق نمایانگر احساس امام (ع) و بیانگر عاطفی بودن کنش گفتاری اوست. کارکرد ارتباطی این کنش گفتاری که دارای بار عاطفی مثبت است، «ابراز احساس» است که یکی از مؤلفه های فرعی کارکرد ارتباطی «فردی» به شمار می آید، به دلیل این که هدف امام (ع) از به زبان آوردن واژه های مذکور که از جهت معنایی باهم مترادفند، پرده برداشتن از احساسات خود یعنی عشق به پروردگار یکتاست.
کارکرد ارتباطی «ابراز احساس» در پاره گفت زیر نیز متجلی شده است آن جا که امام (ع) در «مناجاة المفتقرین» این طور گفته است.

«رَوْعَتِي لَا يَسْكُنُهَا إِلَّا أَمَانُكَ وَكَرْبِي لَا يَفْرِجُهُ سِوَى رَحْمَتِكَ» (همان: ۱۵۰).

«ترس مرا چیزی جز امان دادن تو فرو نمی نشاند و غم مرا چیزی جز رحمت تو از بین نمی برد.»
امام (ع) در این پاره گفت برطرف شدن ترس و غم خود را منوط به الطاف الهی نموده است. کاربرد دو واژه «رَوْعَتِي» و «كَرْبِي» نشان دهنده عاطفی بودن کنش امام (ع) در این پاره گفت است. این کنش گفتاری دارای بار عاطفی منفی است، زیرا «ترس» و «غم» احساس منفی تلقی می شوند.
بنابر آن چه گفته شد کارکرد ارتباطی کنش گفتاری مذکور «ابراز احساس» است که در زیر مجموعه کارکرد ارتباطی «فردی» قرار می گیرد.

علاوه بر دو شاهد مثال پیشین کنش عاطفی در پاره گفت دیگری تجسم یافته است. عبارت زیر در «مناجاة الثائنين» گواه این مدعاست.

«قَوِّ أَسْفَاهُ مِنْ أَفْضَالِي، وَوَا لَهْفَاهُ مِنْ سُوءِ عَمَلِي» (همان: ۱۴۲).

«افسوس از رسوایی ام و دریغا از بدی کردارم.»

مضمون این پاره گفت بیانگر اظهار تأسف امام (ع) از عملکرد خویش است. تأسفی که امام (ع) با به کارگیری واژه های «قَوِّ أَسْفَاهُ» و «وَا لَهْفَاهُ» در کلام خود نمایان کرده است، عاطفی بودن کنش او را روشن می سازد ضمن این که از کارکرد ارتباطی این کنش عاطفی یعنی «ابراز احساس» که یکی از مؤلفه های کارکرد ارتباطی «بینا فردی» است، پرده برمی دارد، چون «تأسف» به عنوان یک احساس منفی در قول امام (ع) جلوه گر شده است.



۳. نتیجه گیری

پژوهش حاضر نتایجی در پی داشت که اهم آن‌ها عبارتند از:

- امام سجاد (ع) در نیایش‌های پانزدگانه خود با نام مناجات خمس عشر به راز و نیاز با خدای متعال پرداخته و با او ارتباط کلامی برقرار کرده است، از همین رو کنش‌های گفتاری در نیایش‌های او نمود یافته است. در میان انواع کنش‌های گفتاری، کنش اظهاری، ترغیبی و عاطفی شواهدی را در مناجات مذکور در برداشته است این در حالی است که کنش اظهاری دارای بیشترین بسامد و کنش عاطفی دارای کمترین بسامد است.

- امام (ع) از طریق کنش اظهاری با گله مندی از نفس، شیطان، دل و چشم به توصیف آن‌ها پرداخته است ضمن این که با اقرار به ندامت از ارتکاب گناه و اذعان به استغفار و توبه وضعیت خود را توصیف کرده است. علاوه بر این، با برشمردن صفات خدای بلند مرتبه او را وصف نموده است. او با این توصیفات از واقعیت‌هایی که به آن معتقد است پرده برداشته است. هم‌چنین با کنش ترغیبی از خواسته‌های خود مثل دستیابی به خشودای خدای سبحان، رهایی از عذاب جهنم، اجابت دعا، پذیرش توبه سخن به میان آورده است. افزون بر این به وسیله کنش عاطفی احساسات خود مانند عشق، ترس، اندوه و تأسف را ابراز کرده است.

- هر یک از سه کنش مذکور با کارکرد ارتباطی خاصی در مناجات امام (ع) تجلی یافته است، حال آن که در میان کارکردهای ارتباطی فقط برخی از مؤلفه‌های فرعی کارکرد «فردی» و کارکرد «بینا فردی» در بردارنده شواهدی در مناجات مذکور است، با این تفاوت که «کارکرد بینا فردی» در آن از بسامد بیشتری برخوردار است. «ابراز احساس»، «بیان اندیشه» (دو مؤلفه فرعی کارکرد ارتباطی فردی)، «در میان گذاشتن مشکلات»، «در میان گذاشتن آرزو»، «عذر خواهی» و «تمجید» (چهار مؤلفه فرعی کارکرد ارتباطی بینا فردی) از آن جمله است. این کارکردهای ارتباطی اهداف ارتباطی کنش‌های گفتاری امام (ع) در مناجات خمس عشر به شمار می‌روند که این امر بیانگر هدفمند بودن گفتگوی امام (ع) با خدای متعال است. نکته قابل ذکر این است که امام (ع) در کنش گفتاری خود با هدف تحقق خواسته‌های دنیوی و برطرف شدن نیازهای مادی به راز و نیاز با خدای سبحان پرداخته است، بلکه برای برآورده شدن حوائج معنوی با او نجوا کرده است که این مسأله مناجات او را به عنوان دعای امام معصوم از دعای انسان غیر معصوم متمایز می‌کند.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- آستین، جون. (۱۹۹۱). نظریه افعال الکلام. ترجمه عبدالقادر قینینی. چاپ اول. قاهره: دارالکتاب.
- آفا گل زاده، فردوس. (۱۳۹۲). فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربرد شناسی. بی‌جا. تهران: نشر علمی.
- پالتریج، برایان. (۱۳۹۹). درآمدی بر تحلیل گفتمان. ترجمه طاهره همتی. چاپ دوم. تهران: نشر نویسه پارسی.
- توکلی، مهناز؛ خجسته پور، رضا. (۱۴۰۳). «بررسی امکان دستیابی به مقام رؤیت و لقاء الله بر اساس مناجات خمس عشر امام سجاد (ع)». دو فصلنامه دعا پژوهی. شماره ۶، صص ۳۸-۵۹.
- دسترنج، فاطمه؛ احسانی، کیوان و عرب، منصوره. (۱۴۰۰). «کاربست نظریه کنش گفتاری جان سرل در خوانش خطبه غراء». فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه. شماره ۳۳، صص ۷۱-۹۵.
- رحیمی، ابوالقاسم؛ رحیمی، مهدی. (۱۴۰۱). «کاربردشناختی یک نامه دیوانی بر مبنای آراء جورج یول (مطالعه موردی: نامه چشم تنگین آباد)». فصلنامه علمی کاوش نامه. شماره ۵۳، صص ۱۴۰-۱۱۳.
- سرل، جون. (۲۰۰۶). العقل و اللغة و المجتمع (فلسفة في العالم الواقعي). ترجمة سعيد الغانمي. الطبعة الأولى. بيروت: الدار العربية للعلوم.



- صانعی پور، محمد حسن. (۱۳۹۰). مبانی تحلیل کارگفتی در قرآن کریم. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- صفوی، کوروش. (۱۳۹۲). درآمدی بر معنی شناسی. چاپ پنجم. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- قاسمی، صمد؛ شکر آمیز، منصوره و شرقی، ساسان. (۱۴۰۱). «بررسی و تحلیل راه های رسیدن به سلامت معنوی در دعای کمیل با رویکرد به کارگفت‌های اظهاری، ترغیبی و عاطفی از جان سرل». مجله قرآن و طب. شماره ۱، صص ۳۸-۴۴.
- کوک، گای. (۱۳۸۹). زبان‌شناسی کاربردی. ترجمه علی روحانی و محمود رضا مرادیان. بی‌جا. تهران: نشر راهنما.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳). بحار الأنوار لدرر أخبار الأئمة الأطهار. جلد ۹۱. چاپ دوم. بیروت: دار إحياء التراث العربي.
- محمدی، عادل. (۱۳۹۶). منظور شناسی زبان و تحلیل گفتمان. بی‌جا. تهران: نشر جامعه شناسان.
- نوازنی، رحمان؛ ملابراهیمی، عزت. (۱۴۰۲). «تحلیل شناختی طرحواره‌های تصویری در مناجات خمس عشر با تکیه بر نظریه جانسون و لیکاف». دو فصلنامه دعا پژوهی. شماره ۵، صص ۹۴-۱۱۵.
- یول، جورج. (۱۳۹۶). کاربرد شناسی زبان. ترجمه محمد عموزاده مهدیرجی و منوچهر توانگر. چاپ هشتم. تهران: انتشارات سمت.
- Levinson, S.C. , (1997). *Pragmatics*, Cambridge University Press, New York
- Searle, J. R. (1969). *Speech Acts: an Essay in the philosophy of Language*, Cambridge: Cambridge University Press
- ۱۸- Searle, J. R. (1999). *Mind, language and society: philosophy in the real world*. London: Weidenfeld and Nicolson.
- Finocchiaro, Mary (1987). *Functional- Notional Approach: from Theory to Practice*, Oxford University Press

